

دایی و عادل؛ وعده یا سرمایه؟

طی چند روز گذشته شایعاتی در مورد حمایت علی دایی و عادل فردوسی‌پور از برخی نامزدهای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شده بود، اما هر دو نفر به شکلی کوتاه و گویا این حرف و حدیث‌ها را تکذیب کردند.

به گزارش سایت خبری پرسون، ابتدا عادل فردوسی‌پور متنی با این مضمون منتشر کرد: «قبلا هم گفته بودم و مجددا عرض می‌کنم که من از هیچ‌کدام از کاندیداهای ریاست‌جمهوری حمایت نکرده و نمی‌کنم و هیچ پست و مقامی را هم برای آینده نه پذیرفته‌ام و نه خواهم پذیرفت.»

در ادامه هم علی دایی با انتشار این مطلب روی صفحه شخصی‌اش، رویه‌ای مشابه در پیش گرفت: «متأسفانه این روزها نام مرا جهت حمایت از کاندیدها مطرح می‌کنند. مردم بدانند اینجانب هیچ‌گاه در هیچ دوره‌ای از هیچ کاندیدای خاصی حمایت نکرده و نخواهم کرد و آنچه از قول من در این خصوص نقل می‌کنند فراتر از یک دروغ است.» این واکنش‌ها البته چندان هم غیرمنتظره نبود. عادل که همیشه با نهایت دقت و وسواس استقلالش را حفظ کرده و دایی هم به‌دفعات توضیح داده که عدم‌دخالتش در مسایل سیاسی، به‌خاطر وصیت پدر مرحومش بوده است. اساسا بخش قابل توجهی از مقبولیت و پایگاه اجتماعی این دو نفر، به خاطر همین سیاست‌گریزی و پرهیز آنها از مراکز و کانون‌های قدرت است. مردم همیشه نشان داده‌اند آدم‌هایی از جنس خودشان را دوست دارند و عادل و دایی بهترین مصداق‌ها از این قاعده هستند.

با این همه اما، پرسش اینجاست که چرا جایگاه چنین آدم‌های مهمی از «سرمایه» به «وعده» تنزل پیدا می‌کند؟ بی‌گمان بخشی از شایعاتی که در مورد عادل و دایی ساخته شده، به‌خاطر غیبت آنها از صحنه است. فردوسی‌پور مدت‌هاست برنامه نود را از دست داده و فوتبال هم گزارش نمی‌کند. همه در جریان وضعیت این روزهای او هستند و نیازی به توضیح اضافه نیست. علی دایی هم بعد از برکناری از سرمربیگری سایپا در لیگ هجدهم، به‌دلایل نامعلوم از پهنه فوتبال ایران حذف شده است.

شاید اگر آنها همچنان فعال بودند، شایعه‌ای هم در مورد نزدیک شدن‌شان به یک نامزد با وعده و وعیدهای آنچنانی ساخته نمی‌شد. کاش ساختار درستی وجود داشت که بر اساس آن، برنامه‌ساز و گزارشگر سرشناس فوتبال ایران و همکار معتبرترین مجلات فوتبالی جهان می‌توانست کارش را بکند و طعمه رقابت‌های انتخاباتی نباشد. چنین ساختاری، حتما می‌توانست کمک کند که ظرفیت‌های فوتبالی علی دایی هم مورد استفاده قرار بگیرد و کسی که همین حالا رسانه‌های جهان به بهانه رکورد گل‌های ملی‌اش در حال بحث راجع به او هستند، چنین مهجور باقی نماند. کاش، کاش و کاش...!

منبع: دنیای اقتصاد